

کاربست نظریه جامعه‌شناسی تاریخی اسکاچپول بر آثار حضور امام رضا (ع) در ایران

^۱ بهراد اسدی

^۲ معصومه قره داغی

^۳ جعفر آقازاده

^۴ منیژه صدری

تاریخ وصول: ۹۸/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۵

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین تأثیرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حضور امام رضا (ع) در ایران انجام گرفته است. تهجیر امام رضا (ع) به ایران و حضور روشنگرانه و نواندیشانه دینی ایشان علیرغم فضای سراسر خفقان و بسته دوران مأمون به رشد و گسترش حوزه‌های نوگرایی دینی و عقلانیت وبری در جدل‌های علمی معتزله و اشاعره انجامید. انبساط فضای فکری ایجاد شده در پرتو نظریه جامعه‌شناسی تاریخی اسکاچپول، مبتنی بر کنش‌های معنی‌دار و هدف‌مند و بسترهای ساختی، پرسش بنیادین این پژوهش می‌باشد. این پژوهش برآن است تا با روش کیفی از نوع جامعه‌شناسی تاریخی، آثار حضور امام رضا (ع) در ایران را تبیین کند. تکنیک گردآوری داده‌های این پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای است. در این پژوهش با رویکرد روش‌شناسی تاریخی چنین استنباط می‌شود که آثار فکرت‌های نرم‌گرایانه امام رضا (ع) در مواجهه با پرسشگران، مخالفان و معاندان سبب برون رفت انجمادگرایی در جامعه شده و ظهور کنش‌های معنی‌دار اجتماعی اسکاچپولی را به ارمغان آورده است.

واژگان کلیدی: امام رضا، تهجیر، جامعه‌شناسی تاریخی، عقلانیت.

۱- دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

۲- استادیار گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران. (نویسنده مسئول). masomehgaradagi90@iaushab.sc.ir.

۳- استادیار گروه تاریخ، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۴- استادیار گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

مقدمه

از جمله رویدادها و جریان‌های مهمی که در تاریخ ایران از جایگاه و منزلت والایی برخوردار است، سفر امام رضا (ع) به ایران و استقرار ایشان در مرکز خلافت، یعنی مرو (خراسان) در جایگاه ولایتعهدی مأمون است؛ این سفر که آن را در حقیقت نوعی تهجیر^۱ می‌توان خواند، با اصرارهای مأمون، خلیفه وقت عباسی، صورت پذیرفت. از عمده دلایل این دعوت پراصرار مأمون از امام رضا (ع)، حضور روشن‌گرانه و وجود افشاگرانه آن امام علیه حکام بنی عباس از جمله مأمون در میان مسلمانان مدینه بود که آن شهر را به کانون قدرتمند مخالفان حکام خلفای عباسی تبدیل کرده بود. مأمون از روی احساس خطر و نیز برای دور ساختن امام رضا (ع) از این کانون، او را به ظاهر برای ولیعهدی خود به ایران فراخواند ولیکن این فراخواندن در حقیقت دعوت اجباری و در واقع نوعی تهجیر بود.

علی‌رغم نیت مأمون، امام (ع) این تهجیر را به یک سفر پُربار و حضور مؤثر برای برقراری پیوند با ایرانیان متمایل به تشیع و تبدیل خراسان بزرگ به کانون تشیع و تلاش برای تحکیم مبانی عقیدتی و کلامی شیعه با استفاده از فرصت ولیعهدی تغییر داد و کماکان به افشای سیاست‌های نادرست مأمون پرداخت و در این هجرت ناخواسته، اهداف عالی دیگری را نیز مورد توجه قرار داد که از جمله آن‌ها اهداف اجتماعی - فرهنگی میان ایرانیان بود.

بررسی تحولات ایجاد شده در جامعه‌ی ایران پس از حضور امام رضا (علیه السلام) نشان می‌دهد که بحث از تاریخ اسلام و تشیع در ایران بدون توجه به این رویداد مهم و اساسی نا تمام بوده و تنها در سایه تحلیل و بررسی پیامدهای این رویداد می‌توان به فهم و درک درستی در این زمینه دست یافت. البته باید اشاره نمود که پیامدهای این هجرت و فرصت‌هایی که حضور امام رضا (علیه السلام) در ایران پیش‌روی حضرت قرار داد نه تنها در جامعه‌ی ایران بلکه در تمامی جهان اسلام منشأ تحولات گوناگونی گردید (ماکوئی ابرند آبادی، ۱۳۹۲: ۸). حضور امام رضا (ع) در تاریخ آن دوره ایران، عملاً دارای آثار و پیامدهای درخشانی است. پرواضح است که سیاست امام در این سفر تنها به افشای سیاست‌های مأمون محدود نمی‌شد، بلکه در این هجرت اهداف عالی دیگری نیز مورد توجه امام رضا (ع) قرار گرفت که از جمله آن‌ها تلاش برای برقراری پیوند با ایرانیان متمایل به تشیع و تبدیل خراسان بزرگ به کانون تشیع و تلاش برای تحکیم مبانی عقیدتی و کلامی شیعه با استفاده از فرصت ولیعهدی بوده است. در این پژوهش برآنیم با اشاره به برخی تأثیرات از جمله رشد حوزه‌های علمی و گسترش مراکز فرهنگی تشیع، ایجاد فضاهای زیارتی و عبادی، ایجاد موقوفات، شفاخانه یا دارالشفاء، مهاجرت سادات به ایران و قیام محمد بن قاسم، جایگاه هر مورد را مشخص و تبیین نماییم.

مرور پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه بیانگر این است که حضور امام رضا (ع) در ایران اندیشه بسیاری از عالمان و پژوهشگران را به خود مشغول و تحقیقات متعددی در بخش‌های مختلف صورت گرفته است. در زیر به برخی از پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه اشاره می‌شود:

عرفان‌منش (۱۳۷۴) در کتاب امام رضا (ع) از مدینه تا مرو، با بیان جغرافیای تاریخی، سیاسی و اجتماعی شهرهایی که در مسیر حرکت امام رضا (ع) از مدینه تا مرو بوده پرداخته و پذیرش ولایتعهدی از جانب آن حضرت را یکی از وقایع مهم تاریخ سیاسی اسلام می‌داند. این کتاب جغرافیای تاریخی، سیاسی و اجتماعی شهرهایی است که حضرت امام رضا (ع) به دستور مامون از آنجا عبور کرده و یا در آنجا توقف داشته است. مبدأ این خط سیر، مدینه و مقصد مرو بود. نویسنده در ابتدا اشاره ای به وداع امام رضا (ع) با پیامبر عظیم الشان اسلام و تعیین جانشین و و خدا حافظی با اهل بیت خویش دارد، سپس به شرح منازل و قدمگاه‌ها از مدینه تا بصره، از بصره تا فارس، از فارس تا یزد، از یزد تا خراسان پرداخته است. تأثیر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حضور امام به صورت مفصل بحث نشده و در این پژوهش تلاش خواهد شد تا با استفاده از مطالب این کتاب و عبور امام رضا (ع) از شهرهای ایران به تأثیرات این حضور پرداخته شود.

درخشه و حسینی فائق (۱۳۹۲) در مقاله موضع امام رضا (ع) در قبال حرکت‌های سیاسی علویان در زمان عباسیان در مجله فرهنگ رضوی، شماره چهارم به چاپ رسیده است. این مقاله ضمن بررسی زمینه‌های روی کار آمدن عباسیان و شرایط پس از به خلافت رسیدن آنان، مواضع امام رضا (ع) را در قبال حرکت‌ها و قیام‌های علویان مورد بررسی قرار می‌دهد. برای واکاوی مواضع امام رضا (ع)، آگاهی از شرایط سیاسی، تاریخی خلافت عباسیان و وضعیت علویان در زمان آن‌ها امری ضروری است. به همین منظور مهم‌ترین حرکت‌های سیاسی علویان از آغاز خلافت عباسی مورد بررسی قرار گرفته (خلافت منصور و قیام نفس زکیه، تأسیس سازمان وکالت، خلافت هادی و قیام حسین بن علی بن حسن، خلافت هارون و تشکیل دولت ادبسیان، علویان در زمان خلافت امین و مامون) و موضع ائمه در قبال این حرکت‌ها بیان شده است. در انتهای بحث، به طور خاص قیام‌هایی که در زمان امام رضا (ع) صورت پذیرفته مورد بحث قرار می‌گیرند.

نیک آئین و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی آثار تربیتی امام رضا (ع) در تعالی باورهای معنوی مردم ایران را بررسی کرده‌اند. آن‌ها با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع موجود و در دسترس به توصیف و تحلیل پیامدهای حضور امام رضا (ع) در ایران در دوران حیات و بعد از شهادت پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با حضور امام رضا (ع) در ایران و فرصت ولایتعهدی ایشان منجر به اقدامات مؤثری شد. از جمله برکات و رفتارهای هدفمند ایشان برای مردم به سمت معنوی تغییر نگرش در باورهای معنوی مردم ایران در دوران حیات خویش، می‌توان به مواردی چون به بیان معارف ضروری در محل‌های اقامتش در سفرها، تشکیل کلاس‌های درس در منزل خویش

و مسجد و دعوت از بستگان خود برای حضور در ایران اشاره کرد. حضور امام در ایران و تمام اعمال و رفتار آن بزرگوار، برای ایرانیان حامل پیامدهای تربیت معنوی بود که در این پژوهش به صورت اجمالی به آن‌ها اشاره شده است. بعد از شهادت ایشان و ترویج فرهنگ زیارت و حضور سادات دعوت شده توسط امام فرصتی برای تمرین معنوی زیارت شده است.

پژوهش حاضر بر مبنای نظریه جامعه‌شناسی تاریخی اسکاچپول^۱ آثار حضور امام رضا (ع) در ایران را تبیین می‌کند. اسکاچپول چهار ویژگی ذیل را برای مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی برشمرده است:

- ۱- این مطالعات، سؤالاتی را در خصوص ساخت‌ها یا فرآیندهای اجتماعی، که به صورت پدیده‌های عینی و متحقق در زمان و مکان فهم می‌شوند، مطرح می‌کنند؛
 - ۲- این مطالعات، فرآیندهای فرازمان را مورد توجه قرار داده و رشته‌های گذرا و موقت را با هدف دستیابی به نتایج، جدی تلقی می‌کنند؛
 - ۳- این مطالعات عمدتاً ارتباط متقابل میان کنش‌های معنی‌دار و هدفمند و بسترهای ساختی را به منظور معقول سازی پیامدها و نتایج مشهود نیت‌مند و غیر نیت‌مند (کارکردهای آشکار و پنهان) در زندگی‌های فردی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهند؛
 - ۴- این مطالعات، جنبه‌های ویژه و متنوع انواع مشخصی از ساخت‌ها و الگوهای تغییر اجتماعی^۲ را برجسته و نمایان می‌سازند (اسکاچپول، ۱۳۸۸: ۸-۷).
- با توجه به مباحثی که مطرح گردید این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال می‌باشد که حضور امام رضا (ع) در ایران چه تأثیراتی در حوزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران داشته است؟

روش

روش تحقیق به کار رفته در این مطالعه، پژوهش تاریخی و به عبارتی بهتر جامعه‌شناسی تاریخی^۳ است که در آن از تکنیک اسنادی^۴ استفاده می‌شود. با تأسی بر این روش، نویسندگان به دنبال تاریخ‌نگاری نبوده، بلکه در پی سرنخ‌هایی از گذشته، برای تبیین عوامل مؤثر در بروز وقایع رخ داده در گذشته و شناخت بهتر رویدادهای زمان حال هستند (سرمد و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۳-۱۲۲). با توجه به روش تحقیق، داده‌های این پژوهش تاریخی و غالباً کیفی^۵ خواهد بود. در تحقیق حاضر نیز که متمرکز به مشاهده اسناد و متون می‌باشد روش تاریخی را برگزیده است. با توجه به اهداف در نظر گرفته شده برای این تحقیق که تبیینی هستند تکنیک گردآوری داده‌های این تحقیق اسنادی و کتابخانه‌ای و رویه

1- skocpol, T
2- Social Change
3- historical sociology
4- documentary technique
5- qualitative

کاربست نظریه جامعه‌شناسی تاریخی اسکاچپول بر آثار حضور امام رضا (ع) در ایران

جمع‌آوری داده‌ها از نوع سنجه‌های غیر واکنشی یا غیر مزاحم که مطابق رویه غیر واکنشی یا غیر مزاحم، داده‌ها شامل اسناد و مدارک از پیش موجود مانند ثبت‌ها و بایگانی‌ها و اسناد دست دوم می‌باشد.

سطح نظری ← روش تاریخی ← رجوع به اسناد (متن) تاریخی

یافته‌ها

این پژوهش به منظور بررسی کاربست نظریه جامعه‌شناسی تاریخی اسکاچپول بر آثار حضور امام رضا (ع) در ایران تدوین گردیده است که در ذیل به بررسی آثار حضور امام رضا (ع) در ایران می‌پردازیم:

رشد حوزه‌های علمی و گسترش تشیع؛ از جمله مسئولیت‌های مهم ائمه اطهار (ع) به ویژه امام رضا (ع)، از یک سو، ارشاد و هدایت آحاد مردم و سوق دادن آن‌ها به قرآن و سیره پیامبر اعظم (ص) و از دیگر سو تعلیم و تربیت مردم و توجه دادن آنان به علم و دانش و مبارزه با انواع نادانی‌ها، جهالت‌ها و شُبّهات و سرانجام تربیت شاگردان، عالمان و اندیشمندان بوده است، کسانی که هر یک در اعتلا و گسترش فرهنگ و مبانی تفکرات شیعی سهم به‌سزایی داشته‌اند. امام رضا (ع) هم در مدینه منوره و هم زمانی که به مرو هجرت نمود، همواره پاسخگوی تشنگان و جویندگان دانش و معرفت بود. در این خصوص، آن حضرت فرمود: دانش‌های ما را فراگیرید و به مردم یاد دهید؛ زیرا اگر مردم زیبایی سخن ما را بدانند، از ما پیروی می‌کنند» (مجلسی: ۱۳۶۲: ۳۰). هم‌چنین ایشان می‌فرمودند: «من در روضه منوره نبوی می‌نشستم، در حالی که علمای بسیاری در مدینه حضور داشتند، هنگامی که یکی از آنان در پاسخ سؤالی در می‌ماند، همگی آنان، افراد را به نزد من می‌فرستادند و من پاسخگوی سؤالات آنان بودم» (طبرسی: ۱۳۷۶: ۶۴).

علی بن موسی الرضا (ع) طی دوران اقامت خود در مرو، برای ترقی اندیشه و اعتقادات مردم خراسان بسیار تلاش نمود و با مناظره‌های علمی با اهل کتاب و نحله‌های فکری گوناگون، موجبات اعتلای معرفت و بینش دینی این منطقه را فراهم آورد. آن حضرت، با تشکیل محافل علمی، کلامی و حدیثی به دفاع از اصول اسلام و فرهنگ اهل بیت پرداخت و به شُبّهات و ایرادات فِرَق مختلف پاسخ داد (منتظرالقائم: ۲۱۶). شمار مناظرات امام رضا (ع) با اهل کتاب و نمایندگان مسیحیان، یهودیان، مانویان، زرتشتیان، صابئین و فِرَق اسلامی بسیار است (شیخ صدوق، ۱۳۸۸: ۳۸۸-۳۱۳). مباحث این مناظرات علمی درباره آفرینش جهان، توحید، صفات خداوند، انبیای الهی و عصمت آنان، جبر، اختیار و امامت، تفسیر آیات گوناگون قرآن، فضایل اهل بیت (ع)، احادیث، دعا و احکام دین بود (منتظرالقائم: ۲۱۶).

این مناظرات از یک سو موجبات عظمت علمی امام رضا (ع) و از سوی دیگر زمینه رسوایی و سرافکنندگی مأمون در مقابل علمای ادیان و از سوم سو، حقانیت و شایستگی امام (ع) و غاصبانه بودن خلافت مأمون و از سوی چهارم زمینه پی بردن علمای ادیان نسبت به جایگاه رفیع شریعت و احکام اسلام و کامل بودن آن را فراهم نمود. گفتنی است، امام رضا (ع) جریان پشیمانی و رسوایی مأمون را

قبل از برگزاری مناظرات با علمای ادیان، به «توفلی» چنین فرموده بودند: «ای توفلی! می خواهی بدانی چه زمانی مأمون پشیمان می شود؟ گفتم: بله، فرمود: زمانی که ببیند با اهل تورات با توراتشان و با اهل انجیل با انجیلشان و با اهل زبور با زبورشان و با صابئین به عبری و با زردشتیان به فارسی و با رومیان به رومی و با هر فرقه ای از علما به زبان خودشان بحث می کنم و آن گاه که همه را مُجاب کردم و در بحث بر همگی پیروز شدم و همه آنان سخنان مرا پذیرفتند، مأمون پشیمان خواهد شد (شیخ صدوق، ۱۳۸۹: ۳۱۶).

با توجه به جوّ عقل‌گرایی^۱ که در زمان مأمون اوج گرفته بود و درگیری معتزله و اشاعره و انشعابات این دو و سر برآوردن فرقه‌های گوناگون در آن دوره که منشأ آن رواج و توسعه کاربرد عقل در مسائل کلامی و دینی بود، حضور امام رضا (ع) برای تبیین و تحکیم مواضع شیعه و رفع شبهات از آن و رهنمون شیعیان بسیار ضروری و مفید می‌نمود (ناصری داودی: ۶۶).

علی بن موسی الرضا (ع) افزون بر شرکت در مناظرات عمومی و مجالس علمی که مأمون آن‌ها را تدارک می‌دید، در منزل خود و مسجد مرو نیز حوزه علمی تشکیل داد و پذیرای شیعیان و پیروان خویش شد، شیعیانی که از شهرها و روستاهای دور و نزدیک و از طبقات گوناگون برای زیارت آن حضرت و گرفتن راهنمایی و کسب معارف علمی و دینی و حل شبهات و مسائل گوناگون می‌آمدند تعداد ایشان هر روز بیش‌تر می‌شد، تا جایی که مأمون احساس خطر کرد و به محمد بن عمرو طوسی دستور داد مانع ورود و اجتماع آن‌ها در خانه آن حضرت شود. حضرت پس از شنیدن این خبر فرمود: «خدایا از کسی که به من ظلم کرده، مرا خوار نموده و شیعیان را از درب خانه من دور کرده است، انتقام مرا بگیر، تلخی خواری و خفت را بدو بچشان چنان‌که او به من چشانیده است، و وی را از درگاه رحمت و کرمات دور ساز» (شیخ صدوق، ۱۳۸۹: ۴۰۱ - ۴۰۰).

این خبر از یک سو نشانه عظمت علمی امام و تلاش‌های وافر ایشان در انتقال دانش و معارف علمی و دینی به شیعیان بود و از سوی دیگر، گسترش حوزه‌های علمی و کانون‌های شیعی را در برداشت و نشان دهنده ازدیاد مشتاقان، علاقمندان و شیعیان به آن حضرت بود، تا از سرچشمه معارف ولایی سیراب گردند و هم‌چنین بیانگر سازش‌ناپذیری حضرت در مقابل دستگاه ظالمانه مأمون بود، چنان‌که بلافاصله پس از راندن شیعیان از منزل ایشان، آن امام اعتراض و شکایت خود را به صراحت اعلام کرد.

شایان ذکر است که اسوه عملی بودن و مقام معنوی و عظمت علمی علی بن موسی الرضا (ع) از زمینه‌های مهم در جذب مردم به سوی ایشان بود. امام (ع) از هر فرصتی در جهت اعتلای اسلام و گسترش فرهنگ ناب شیعی استفاده نموده و در صدد بود به شیوه خالصانه امر به معروف و نهی از منکر نماید و جلوی انحرافات را مسدود کند. از جمله روزی مأمون از امام رضا (ع) خواست که نماز عید را اقامه کند، اما امام ابتدا نپذیرفتند تا اینکه مأمون اصرار کرد، آن حضرت فرمود: «من آن گونه که رسول خدا

(ص) و امیرالمؤمنین (ع) برای نماز عید بیرون می‌رفتند، بیرون خواهیم رفت» (شیخ مفید، ۱۳۸۸: ۲۵۷ - ۲۵۶). مأمون پذیرفت، آن حضرت با پای برهنه به راه افتاد، پس از اندکی که راه رفت، آن گاه سر به سوی آسمان بلند کرد و تکبیر گفت؛ همراهان و موالیان او نیز تکبیر گفتند، گویی آسمان و در و دیوار نیز با او تکبیر می‌گفتند، مردم که حضرت رضا (ع) را با آن حال دیدند، صدای تکبیرش را که شنیدند، چنان صداها را به گریه بلند کردند که شهر مرو به لرزه در آمد. خبر به مأمون رسید، فضل بن سهل به مأمون گفت: اگر علی بن موسی الرضا (ع) بدین حال به مصلی برود، مردم شیفته او خواهند شد و همه ما بر خون خود بیمناک هستیم. مأمون نیز دستور بازگشت حضرت را داد و امام (ع) نیز بازگشت» (همان).

با توجه به آن چه گفته شد، در می‌یابیم که امام رضا (ع) در برنامه‌های عبادی خویش نیز بر آن بود تا سنت رسول الله (ص) و امیرالمؤمنین (ع) را زنده نگه داشته و تحقق بخشد؛ یعنی همان مسأله‌ای که در تبیین جایگاه شیعه و معارف اسلامی نقش برجسته‌ای دارد.

از دیگر نتایج پربار دوران اقامت علی بن موسی (ع) در مرو، فراهم شدن زمینه رشد و گسترش تشیع در خراسان بود. مردم خراسان که از پیش دوستدار خاندان رسالت بودند، پس از حضور آن حضرت محبت و ارادتشان به اهل بیت (ع) و علویان بیش‌تر شد، به گونه‌ای که مدفن امام رضا (ع) یکی از پایگاه‌های مهم تشیع در طول تاریخ درآمد و بر تاریخ فرهنگ و هنر و اقتصاد ایران و تشیع تأثیر عمیقی نهاد (منتظرالقائم، ۱۳۸۶: ۲۱۸ - ۲۱۷).

بی شک زیارت قبور ائمه بویژه امام رضا (ع) یکی از بهترین شعائر مذهبی شیعه بود که در طول تاریخ، مشتاقان و شیعیان از آن بهره مند گردیدند. آل بویه از شیعیانی بودند که علاقمندی خود را به زیارت ائمه اطهار (ع) به ویژه امام رضا (ع) در عمل نشان دادند. از جمله رکن الدوله نیز پیش از سال ۳۵۲ ه.ق که شیخ صدوق را به ری دعوت کرد، برای زیارت مرقد امام رضا (ع) به خراسان رفت و آن گونه که به شیخ صدوق گفته بود، از آن امام همام حاجت گرفته است (شیخ صدوق، ۱۳۸۹: ۳۱۲).

یکی از حوادث مهمی که باعث محبوبیت بیش‌تر امام رضا (ع) در میان مردم خراسان و شیعیان گردید، نزول باران رحمت بر اثر دعای حضرت بود. هنگامی که آن حضرت به ولایتعهدی مأمون منصوب شد، منطقه خراسان دچار کم آبی شد و مزارع و باغات در معرض خطر قرار گرفت. مأمون از امام (ع) خواست که دعا کند و از خداوند بخواهد تا باران رحمت خود را نازل نماید. امام (ع) به خواسته مأمون پاسخ مثبت داد و پذیرفت که در پیشگاه الهی دعا کند. سرانجام در موعد مقرر به بیابان رفت و مردم زیادی نیز گرد آمده بودند. حضرت بر فراز منبر قرار گرفت و پس از حمد و ثنای پروردگار، عرض کرد: «بارالها! تو قدر و منزلت اهل بیت (ع) را بالا بردی و به آنان بزرگی و عظمت بخشیدی، مردم به امید فضل و رحمت تو به ما متوسل شده اند، از تو درخواست دارم حاجت آن‌ها را برآوری و باران رحمت را نازل نمایی، بارانی که ویرانی و زیان به بار نیاورد، بارانی که شروع آن موقعی باشد که مردم از صحرا برگشته و به منازل و قرارگاه‌های خود رسیده باشند» (شیخ صدوق، ۱۳۸۹: ۱۷۹). سرانجام دعای آن

حضرت مستجاب شد و همان طور که از پیشگاه الهی درخواست نموده بود، عملی گردید. نزول باران رحمت بر اثر دعای آن حضرت، موجب قدرشناسی مردم گردید و همه یک زبان می‌گفتند: «بزرگواری‌ها و کرامات حضرت باری تعالی بر فرزند پیامبر اسلام (ص) گوارا باد».

محتمل است که هدف مأمون از فرستادن حضرت برای دعای باران، این بود که ایشان پس از حضور در بیابان به اتفاق انبوهی از مردم و دعا در پیشگاه الهی، دعایشان مستجاب نشود و ایشان را در میان عامه مردم تحقیر نماید. اما با استجابت دعای آن حضرت، موقعیت مأمون نیز تضعیف و این حادثه برای وی گران تمام شد. استجابت دعای حضرت و نزول باران رحمت، از یک سو موجب فزونی محبوبیت و علاقمندی به امام رضا (ع) در افکار عمومی شد و از دیگر سو، زمینه نفوذ تشیع و گرایش به آن را مخصوصاً در افرادی که معرفت و علاقمندی آن‌ها به امام (ع) ریشه‌دار و عمیق بود، فراهم کرد.

گذشته از مناظرات که پیش تر گفته شد، احادیث و روایات بسیاری از امام رضا (ع) در زمینه‌های مختلف علوم و معارف اسلامی شیعه چون فقه، اصول عقاید، اخلاق و ... برای ما به یادگار مانده که گنجینه‌ای بس گرانبها است. (در خصوص مناظرات امام رضا (ع) با فریق مختلف بنگرید به: طبرسی، ۱۴۱۳: ۲۲۴-۱۷۱). در مجموع دوران پربار امامت امام رضا (ع) به ویژه دهه دوم آن، دوران آزادی و آسایش نسبی شیعیان است؛ در این دوران، شیعیان و سادات از اطراف برای دیدن و بهره بردن از محضر علی بن موسی الرضا (ع) به خراسان روی آوردند. بی شک عقاید، فقه و اندیشه شیعه در این دوران گسترش در خور توجهی داشت (حیدری آقایی، ۱۳۹۳: ۲۷۶). اهمیت نفوذ تشیع و گسترش آن پس از ورود امام رضا (ع) به خراسان به گونه‌ای بود که زمینه قیام محمد بن قاسم علوی در طالقان را فراهم ساخت. هر چند این قیام در سال ۲۱۹ ه.ق چند سال بعد از شهادت امام رضا رخ داد، از آن روی که باعث گسترش تشیع در بخشی از خطه خراسان شد در خور توجه است. بدون تردید هر فرآیند فرهنگی هم‌چون فرآیندهای اجتماعی و سیاسی، در سیر تحول خود با عوامل شتاب دهنده یا کاهنده روبه رو می‌شود که تأثیر محسوس و گاه شگرفی در پیش‌رفت یا پس‌رفت فرآیند یاد شده دارد. حضور امام رضا در ایران و مخصوصاً در شهرهای خراسان را باید نقطه عطف مهم در گسترش تشیع در ایران محسوب داشت. چرا که دوران حیات امام رضا (ع) را باید دوران اوج گیری گرایش مردم به اهل بیت و گسترش پایگاه‌های مردمی این خاندان دانست.

ایجاد فضاهای زیارتی و عبادی؛ پس از شهادت مظلومانه علی بن موسی الرضا (ع)، دوستان و

شیعیان متوجه زیارت آن حضرت شدند. بقعه رضویه، نخست محوطه کوچکی بود که در میان باغ بزرگی قرار داشت. روضه مطهره رضویه از همان روز نخست خادم داشته و شخصی کلیددار حرم مطهر بوده است. پس از مدتی در کنار قبر آن حضرت مسجدی ساخته و در اختیار زائران قرار می‌گیرد. به موازات ساختن مساجد، رباطهایی نیز جهت سکونت زائران امام (ع) ساخته و متصدیان در آن جا به فعالیت

می‌پرداختند و برای رفاه و آسایش زائران کوشش می‌کردند (عطاردی، ۱۳۷۱: ۶۲۸). ظاهراً نخستین گروهی که در کنار قبر مطهر سکونت اختیار می‌کنند، خادمان روضه مبارکه، کسبه و اصناف بوده‌اند، از این تاریخ که زمان آن دقیقاً مشخص نیست، مشهد امام علی بن موسی الرضا (ع) محل مسکونی می‌شود و اندک اندک در آن جا سکونت می‌یابند و بعد از مدتی حالت یک قصبه را به خود می‌گیرد و به «مشهد الرضا» معروف می‌گردد (همان: ۶۲۹). در قرن سوم و چهارم هجری سه گروه در مشهد اقامت داشتند: نخست خادمان و کارگزاران روضه مبارکه، دوم علما و سادات که برای قرب جوار، تبلیغ احکام و اقامه شعائر دینی در آن جا سکونت داشتند و سوم افرادی که برای کسب و کار به آن جا رفته بودند و حوائج ساکنان و زائران را برآورده می‌کردند (همان).

سلاطین آل بویه به مشهد مقدس رضوی توجه داشته اند تا آن جا که رکن الدوله یکی از امیران این سلسله برای زیارت حضرت رضا به مشهد مشرف می‌گردد (شیخ صدوق، ۱۳۸۹: ۳۱۲). صاحب بن عبّاد که در ری حکومت و وزارت داشته نیز به مشهد مقدس عنایت داشته است (جعفریان، ۱۳۸۸: ۳۸). در قرن نهم هجری که مصادف با سلطنت تیموریان است، مشهد مقدس رضوی به صورت مرکزی دینی، فرهنگی، هنری و اقتصادی درآمد و مردم از اطراف و اکناف به آنجا می‌آمدند. شاهرخ امیر تیمور که در هرات حکومت می‌کرد، به مشهد مقدس عنایتی بسیار داشت. در این ایام به دلیل وجود امنیت، مردم از گوشه و کنار، برای زیارت به مشهد مشرف می‌شدند. در این دوره فضاهای جدیدی برای عبادت و زیارت ساخته می‌شد و در اختیار زائران حضرت رضا (ع) قرار می‌گرفت.

گوهر شاد آغا رواق بزرگ دارالسیاده، رواق دارالحفاظ و رواق دارالسلام را ساخت و در همین زمان، مسجد مجلل و باشکوه گوهرشاد نیز بنا گردید (عطاردی، ۱۳۷۱: ۶۳۱-۶۳۰). مسجد جامع گوهرشاد یکی از مهم‌ترین و زیباترین مساجد تاریخی در بلاد و اماکن اسلامی به شمار می‌رود. این مسجد باشکوه یادگاری از قرون گذشته و نمونه‌ای از معماری‌های سنتی اسلامی است که در جوار بارگاه ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) قرار گرفته و متصل به آن است. این مسجد در سال ۸۲۱ ه.ق بنا گردید و بانی آن گوهرشاد آغا فرزند امیر غیاث الدین ترخان و همسر شاخرخ، فرزند امیر تیمور گورکانی است که از خاندان مشهور و معروف در عهد تیموریان بودند.

اماکن زیارتی در قرن دهم و یازدهم مصادف با حکومت صفویه در ایران است. اعلام تشیع اثنی عشری یا «دوازده امامی» در سال ۹۰۷ ه.ق به عنوان مذهب رسمی کشور در دوران حکومت تازه تأسیس صفویه، که هنوز پایه‌های خود را تحکیم نکرده بود، از سوی شاه اسماعیل در تبریز، مهم‌ترین تصمیم وی بود (سیوری: ۲۴). آنان مذهب تشیع را در سرزمین‌های تحت قلمرو خود گسترش دادند و بدین رو شیعیان و محبان اهل بیت (ع) نیز از فضای تقیه بیرون آمدند. در این زمان مشهد مقدس رضوی رونق زیادی یافت و مردم، گروه گروه از شهرها و ولایات به این سرزمین روی آوردند به دلیل امنیت راه‌ها و سرکوب شدن مخالفان و معاندان، زائران خود را از اقصی نقاط آذربایجان و قفقاز و از صغد

خوارزم، از بدخشان و طخارستان و هند و سند و جنوب و شمال کشور پهناور به مشهد مقدس می‌رساندند (عطاردی، ۱۳۷۱: ۶۳۳ - ۶۳۲). با شهادت علی بن موسی الرضا (ع) از یک سو علاقمندان به مکتب اهل بیت (ع) به ویژه امام رضا (ع) بیش‌تر می‌شدند و مشتاقان آن حضرت با تحمل زحمات بسیار به زیارت ایشان همت می‌گماشتند. از دوم سو، با گذشت زمان، فضاهای زیارتی همراه با معماری اسلامی و سنتی رونق و فزونی یافت و از سوم سو تلاش برای ایجاد رفاه حال زائران آن حضرت در طول دوران مختلف به‌عنوان یکی از محورهای مهم فعالیت‌های متصدیان مشهدالرضا (ع) محسوب گردید و سرانجام اسکان علما و سادات در جوار مرقد امام رضا (ع) در جهت تبلیغ دین و توسعه و ترویج تشیع نیز اهمیت به‌سزایی یافت.

ایجاد موقوفات؛ آستان قدس رضوی یکی از مؤسسات مذهبی است که دارای موقوفات بسیار است. در ادوار تاریخ و قرون، از میان دوستان و شیفتگان علی بن موسی الرضا (ع) هر کس به قدر استعداد و توانایی خود مقداری از مایملک خود را برای آن بارگاه ملکوتی وقف کرده است تا زائران و نیازمندان از حاصل آن بهره مند گردند. بر طبق اسناد موجود، قدیمی‌ترین سندهای وقفی مربوط به قرن دهم هستند. قدیمی‌ترین سند وقف غیرمنقول نیز مربوط به وقفنامه «عتیق علی طوسی» است که سال ۹۳۱ ه.ق تنظیم شد و پس از آن وقفنامه «سید علی حسینی گنابادی» است که در سال ۹۵۷ ه.ق ملکی را در قریه زبید گناباد وقف آستان قدس کرده است (همان: ۵۵۴).

موقوفات حضرت رضا (ع) در گذشته بسیار گسترده‌تر از امروز بوده و اکنون رقبات زیادی در افغانستان و یا در مناطق خوارزم و ماوراءالنهر که جزء منطقه خراسان بوده‌اند، واقع شده که با تغییر مرزهای سیاسی در آن طرف مرزها مانده‌اند. گفتنی است در قفقاز و آذربایجان شوروی و در هند و پاکستان نیز در سابق موقوفه‌هایی وجود داشته است. تعدادی مؤسسه دینی به نام امام رضا (ع) در هند و پاکستان نیز اکنون وجود دارند که مورد توجه شیعیان آنجا است و مردم در روزهایی خاص در آن اماکن گرد هم می‌آیند و از فضائل و مناقب آن حضرت سخن می‌گویند و به نام آن امام نذر و نیاز می‌کنند. (همان: ۵۵۵). در میان موقوفات از یک ده شش‌دانگ، یا یک مزرعه، یا یک باغ بزرگ، یا وقف خانه‌ای کوچک و یا سرای تجاری، مغازه و ... وجود دارند که هر کدام به منظوری از طرف واقفان و دوستان حضرت رضا (ع) وقف شده‌اند. بیش‌تر املاک آستان قدس در حومه مشهد و بلوکات تابعه مشهد و سایر شهرستان‌های خراسان و معدودی نیز در تهران، قزوین، رشت، مازندران، آذربایجان، کرمان، اصفهان و شیراز است. برخی از املاک مزبور شش دانگ و پاره‌ای سهام، معدودی از آن وقف است (همان: ۵۵۸-۵۵۷).

با توجه به آنچه در مورد موقوفات گفته شد، این نکته آشکار می‌شود که سنت پسندیده وقف با نیات خیر و عام‌المنفعه از سوی بانیان آن معمول گردیده و تاکنون ادامه دارد.

شفاخانه یا دارالشفاء؛ با استناد به برخی از متون تاریخی درمی‌یابیم که در جوار بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) از قدیم شفاخانه و یا دارالشفاء وجود داشته و مردمانی مستضعف از آن بهره می‌برده‌اند. در کنار قبر مطهر آن امام بزرگ حکیمان و طبیبانی بوده‌اند که در شفاخانه مبارکه، بیماران را معالجه می‌کرده‌اند. از عصر صفوی نام طبیب و حکیمی که در آستان قدس رضوی بیماران را معالجه می‌کرده است، اسکندر بیگ ترکمان در کتاب «تاریخ عالم آرای عباسی» می‌نویسد: «حکیم عمادالدین محمود که در علم و حکمت و دانشوری و حذاقت مشهور آفاق بوده، رسالات مرغوب و نسخه‌های غریب از او در علم طب و تربیت معاجین و معالجه امراض مزمنه و مواد حاره خصوصاً جرب صغیر و کبیر، که بین الجمهور به آتشک مشهور است، معتمد علیه اطباست». تا آنجا که می‌گوید: «چون شاه جنت مکان در رواج و رونق آستانه مقدسه حضرت امام الجن و الإنس به اقصی الغایه توجه مرعی داشته، از هر طبقه آنچه بهتر بود به خدمات آن سرکار تعیین می‌فرمودند، او نیز به طبابت سرکار فیض آثار مأمور گشته، مدت‌ها در مشهد مقدس معلی به معالجه مرضی مشغولی داشت و الحق جامع صفات و کمال و زبده اصحاب گزیده و ارباب افضال بود» (اسکندر بیگ، ۱۳۵۱: ۲۶۵).

مهاجرت سادات به ایران در آستانه ورود امام رضا (ع) به خراسان؛ علاوه برقرآن، در تورات و انجیل نیز مهاجرت‌های مختلفی وجود دارد که انبیاء بزرگ برای آزادی فکر و عقیده خود از دست حاکمان زمانه، روی به مهاجرت‌های دسته جمعی و یا در گروه‌های کوچک آوردند. علویان و سادات منسوب به نبی مکرم اسلام (ص) بر مبنای خط مشی کتاب الهی و سنن نبوی و به دلیل مخالفت با طواغیت زمانه خویش، هر جا که فرصت برای قیام بود، قیام می‌کردند و حتی خلفا نیز از این امر بیمناک بودند و هر زمان که محیط را مناسب برای ادامه فعالیت آزادی بخش نمی‌دیدند، هجرت و مهاجرت را برای رسیدن به اهداف مقدس مشخص شده خویش انتخاب می‌کردند و از این طریق، ارزش هجرت را براساس آنچه در آیات و روایات بیان شده، عیان می‌ساختند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۲۶۷). یکی از دلایل عمده نفوذ تشیع در ایران، ورود سادات علوی به این منطقه بوده است. دلایل ورود سادات به ایران عبارت است از: امن بودن مناطق ایران: ایران دور از دسترس حکومت‌هایی بود که مرکز آن‌ها در شام و یا عراق قرار داشت. فشارهای عباسیان و پیش از آن‌ها امویان، باعث شد که آن‌ها بدین مناطق مهاجرت کنند. مرفه بودن شهرهای ایران: محبوب بودن آنان نزد مردم این سامان، چه آنکه آن‌ها فرزندان رسول خدا (ص) بودند (جعفریان، ۱۳۸۸: ۱۶۰-۱۵۹). این مهاجرت‌ها بیش‌تر از قرن دوم به بعد بوده است، به‌ویژه با آمدن حضرت علی بن موسی (ع) به ایران. تسامح مأمون در مقابل سخت‌گیری پدرش رشید نسب به سادات، در رشد و گسترش علویان تأثیر به‌سزایی داشت. او گرچه با قیام‌های آن‌ها به شدت برخورد کرد، به علت اعتقادی که به برتری علی (ع) بر سایر خلفا داشت، نسبت به علویان نیز احترام زیادی قائل بود، اما با این همه، سیاست او در اواخر نسبت به این افراد، که در هر حال حکومت

عباسیان را تهدید می‌کردند، کاملاً عوض شد. آمدن حضرت فاطمه معصومه (س) به ایران از جمله مهاجرت‌هایی بود که همزمان با آمدن علی بن موسی (ع) به ایران صورت گرفت (همان: ۱۶۲). حضور این بانوی گرامی سبب گسترش بیشتر تشیع در قم گردید. آن‌سان که پس از رحلت و به خاک سپردن ایشان در این شهر نیز تربت مطهرش مورد زیارت خاص و عام قرار گرفت، حتی بعد از وفات ایشان عده‌ای از سادات نیز به قم مهاجرت کردند. حضرت احمد بن موسی کاظم (ع) نیز در دوره مأمون با گروهی عازم شیراز شد تا سرانجام به برادرش امام رضا (ع) بپیوندد. چون قتلخ خان، فرماندار مأمون در شیراز از آمدن احمد آگاه شد، در بیرون شهر در محلی روی به احمد آورد که به آن نقطه خان زینال، می‌گفتند. هر دو گروه باهم برخورد کردند و میانشان جنگ درگرفت، پس مردی از یاران قتلخ فریاد زد: «اگر می‌خواهید به امام رضا (ع) برسید، او شهید شد. هنگامی که یاران احمد بن موسی این سخن را شنیدند، از اطرافش پراکنده شدند و جز بعضی از قبیله و برادرانش کسی با او نماند. پس به طرف شیراز روی آورد و مخالفان در پی او آمدند و در همین نقطه که اکنون آرامگاه اوست و به شاه چراغ معروف است، وی را به شهادت رساندند» (کمونه حسینی: ۱۶۰).

مرعشی درباره آمدن سادات به ایران چنین می‌نویسد: «سادات از آوازه ولایت و عهدنامه مأمون که بر حضرت امام پناهی داده بود، روی بدین طرف نهادند و او را بیست و یک برادر بودند. این مجموع برادران و بنواعماد از سادات حسینی و حسنی، به ولایت ری و عراق رسیدند...» (مرعشی: ۲۷۷). پس از اقدام مأمون در به شهادت رساندن حضرت امام رضا (ع) سادات به دیلمستان و طبرستان پناه بردند. مرعشی در این باره می‌نویسد: «چون سادات خبر غدر مأمون، که با حضرت رضا کرد، شنیدند پناه به کوهستان دیلمستان و طبرستان بردند و بعضی بدانجا شهید گشتند و مزار و مرقدشان مشهور و معروف است و بعضی در همان جا توطن نمودند و اولاد و اتباع ایشان باقیست و چون اصفهیدان مازندران در اوایل که اسلام قبول کردند، شیعه بودند و با اولاد رسول الله (ص) حُسن اعتقاد داشتند، سادات را در این ملک مقام آسانتر بود...» (همان: ۲۷۸).

این مزارهای متبرک در ایران، نمودی است از آرمان‌های راستین تشیع که از اسلام ریشه گرفته بود و در حقیقت پشتوانه عظیمی برای معیارها و ارزش‌های والای مکتب تشیع محسوب می‌گردید. این مکان‌ها افزون بر اینکه محلی برای زیارت مشتاقان خاندان اهل بیت (ع) بود، مدرسه بزرگی نیز برای زائران تلقی می‌گردید که از معرفت امامزادگان و فضایل اخلاقی آن بزرگواران بهره‌مند گردند و از سویی به مظلومیت و حقانیت آنان پی برند که این خود در گسترش مذهب شیعه نیز مؤثر بود. به بیان دیگر، این آرامگاه‌ها هر کدام به کانونی برای گسترش فرهنگ تشیع تبدیل گردید.

قیام محمد بن قاسم؛ یکی از نتایج زودرس تأثیر امام رضا (ع) در خراسان، قیام محمد بن قاسم می‌باشد. اهمیت نفوذ تشیع و گستردگی آن پس از ورود امام رضا (ع) در خراسان به گونه‌ای بود که زمینه

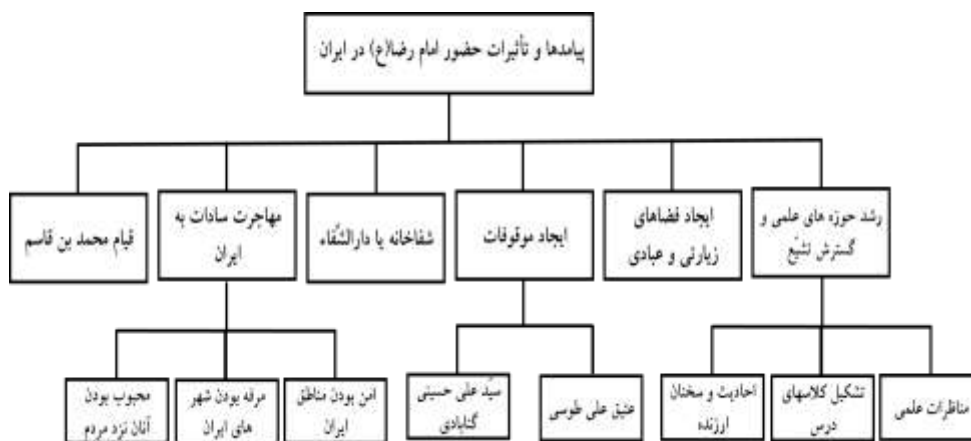
قیام محمد بن قاسم علوی در طالقان فراهم شد. هرچند این قیام در سال ۲۱۹ ه.ق و چند سال بعد از شهادت امام رضا (ع) رخ داد، از آن روی که باعث گسترش تشیع در بخشی از خطه ایران گردید، درخور توجه است. محمد بن قاسم در زمان معتصم در طالقان خروج کرد و پس از جنگ‌هایی که میان او و عبدالله بن طاهر روی داد، سرانجام عبدالله او را دستگیر کرد و به نزد معتصم فرستاد (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۶۰: ۵۳۷). وی پیش از آن مدتی در جوزجان تلاش کرد و طولی نکشید که چهل هزار نفر از مردم آنجا با وی بیعت کردند (همان: ۵۲۷ - ۵۳۶). که این خود بیانگر وسعت گرایش‌های شیعی در خراسان است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین تأثیرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حضور امام رضا (ع) در ایران انجام گرفته است. هدف از تحلیل تاریخی در این رویکرد ارائه و بسط تبیینی مناسب برای یک پیامد یا الگوی کاملاً معین در تاریخ است. پیروان این رویکرد معتقدند می‌توان نظم‌های علی- حدافل نظم‌های محدود دامنه را در تاریخ کشف کرد. جهت‌گیری کلی پژوهش در این رویکرد طرح سؤال مشخص در خصوص یک زمینه و واقعه‌ی تاریخی و تلاش برای استفاده از آن برای تولید گزاره‌های نظری عام‌تر است. در این راستا از طریق کاربست نظریه جامعه‌شناسی تاریخی اسکاچپول، آثار حضور امام رضا (ع) در ایران تبیین می‌شود. حضور امام رضا (ع) در ایران موجب رشد و گسترش تشیع گردید. مناظرات علمی ایشان از یک سو و تشکیل کلاس‌های درس در منزل خود و همچنین مسجد مرو از سوی دوم، و احادیث و سخنان ارزنده ایشان در زمینه‌های مختلف علوم و معارف اسلامی، از سوی دیگر موجب رشد و گسترش تشیع گردید. ایرانیان، به‌ویژه خراسانیان، در اظهار مهر و محبت به ائمه اطهار (ع) و به‌خصوص به امام رضا (ع) کوشش فراوان کردند. پس از شهادت امام رضا (ع) دوستان و شیعیان آن حضرت متوجه زیارت ایشان شدند و تدریجاً فضاهای زیارتی و عبادی در مشهد الرضا پدیدار گردید و اصناف و اقشار مختلف مردم بویژه علمای شیعه در آن سکنی گزیدند.

با توجه به شخصیت همه جانبه و والای امام رضا (ع) بانیان خیر علاقمند به سنت حسنه خیررسانی بوده و قسمتی از مایملک و دارایی خود را وقف آستان مقدس رضوی می‌نمودند. و حتی در کنار بارگاه ملکوتی امام (ع) دارالشفاء برای معالجه بیماران احداث گردید. در قرن دوم هجری به دلیل فشارهای امویان و عباسیان، سادات به ایران مهاجرت کردند و در هنگام ورود امام رضا (ع) به ایران نیز عده‌ای از آنها به این سرزمین آمدند که بعدها تحت تعقیب عباسیان قرار گرفتند و عده زیادی از آنها در شهرهای مختلف به شهادت رسیدند و مزارهای هر یک به کانونی برای فرهنگ تشیع تبدیل گردید و موجبات گسترش شعائر و معارف شیعه را فراهم کرد.

علی بن موسی الرضا (ع) طی دوران اقامت خود در مرو، برای ترقی اندیشه و اعتقادات مردم خراسان بسیار تلاش نمود و با مناظره‌های علمی با اهل کتاب و نحله‌های فکری گوناگون، موجبات اعتلای معرفت و بینش دینی این منطقه را فراهم آورد. استجابت دعای حضرت و نزول باران رحمت، از یک سو موجب فزونی محبوبیت و علاقمندی به امام رضا (ع) در افکار عمومی شد و از دیگر سو، زمینه نفوذ تشیع و گرایش به آن را مخصوصاً در افرادی که معرفت و علاقمندی آن‌ها به امام (ع) ریشه‌دار و عمیق بود، فراهم کرد. موقوفات حضرت رضا (ع) در گذشته بسیار گسترده‌تر از امروز بوده و اکنون رقبات زیادی در افغانستان و یا در مناطق خوارزم و ماوراءالنهر که جزء منطقه خراسان بوده‌اند، واقع شده که با تغییر مرزهای سیاسی در آن طرف مرزها مانده‌اند. اهمیت نفوذ تشیع و گستردگی آن پس از ورود امام رضا (ع) در خراسان به گونه‌ای بود که زمینه قیام محمد بن قاسم علوی در طالقان فراهم شد. در مجموع، پیامدها و تأثیرات حضور امام رضا (ع) در ایران را می‌توان در نمودار زیر چنین آورد:



شکل (۱): پیامدها و آثار حضور امام رضا (ع) در ایران

منابع

- ابن خلدون (۱۳۶۳). العبر، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج دوم.
- اسکاچپول، تدا. (۱۳۸۸). بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی. ترجمه‌ی سید هاشم آقاجری، تهران: نشر مرکز.

کاربست نظریه جامعه‌شناسی تاریخی اسکاچپول بر آثار حضور امام رضا (ع) در ایران

- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. (۱۳۶۰). مقاتل الطالبین. ترجمه‌ی سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات صدوق، چ ۱.
- ترکمان، اسکندر بیگ. (۱۳۵۱). تاریخ عالم آرای عباسی. تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، چ ۲.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۸). تاریخ تشیع در ایران، تهران: انتشارات علم، چ ۳.
- _____ . (۱۳۷۱). تاریخ تشیع در ری. تهران: نشر آستان حضرت عبدالعظیم.
- حیدری آقایی، محمود؛ خانجانی، قاسم؛ فلاح زاده، حسین و محمدی، رمضان. (۱۳۹۳). تاریخ تشیع (دوره حضور امامان علیهم السلام). تهران: سمت، چ ۱۱.
- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین هروی. (۱۳۷۹). حبیب السیر فی اخبار افراد البشر. به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- درخشه، جلال و حسینی فائق، سید محمد مهدی. (۱۳۹۲). موضع امام رضا (ع) در قبال حرکت‌های سیاسی علویان در زمان عباسیان، مجله فرهنگ رضوی، شماره چهارم.
- سیوری، راجر. (۱۳۷۴). ایران عصر صفوی، ترجمه‌ی کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چ ۳.
- شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بابویه قمی. (۱۳۸۹). عیون اخبار الرضا، مترجم محمدصالح بن محمدباقر قزوینی، قم: نشر مسجد مقدس جمکران.
- شیخ مفید، محمد بن محمد. (۱۳۸۸). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. ترجمه‌ی حسن موسوی مجاب، قم: نشر سرور، چ ۱.
- طبرسی، ابی‌علی الفضل بن الحسن. (۱۳۷۶). إعلام الوری بأعلام الهدی. قم: مؤسسه آل‌البیت، چ ۱.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابیطالب. (۱۴۱۳ق). الإحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق ابراهیم بهادری - محمد هادی (زیر نظر جعفر سحانی)، قم: اسوه، چ ۱.
- عطاردی قوچانی، عزیزالله. (۱۳۷۱). تاریخ آستان قدس رضوی. مهد: نشر عطارد، چ ۲.
- عرفان منش، جلیل. (۱۳۷۴). جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا (ع) از مدینه تا مرو. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- کمونه حسینی، عبدالرزاق. (۱۳۷۵). آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر (ص) و بزرگان صحابه و تابعین. ترجمه‌ی عبدالعلی صاحبی، تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ماکوئی ابرند آبادی، محمد حسین. (۱۳۹۲). بررسی پیامدهای فکری، اجتماعی و سیاسی حضور امام رضا (علیه السلام) در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۶۲). بحارالانوار. تحقیق و تعلیق سید جواد علوی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مرعشی، ظهیرالدین. (۱۳۹۵). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. تهران: اساطیر، چ ۱.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره شصت و دوم، پاییز ۱۳۹۸

- منتظرالقائم، اصغر. (۱۳۸۶). تاریخ امامت. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، چ ۱۷.
- ناصری داودی، عبدالمجید. (۱۳۷۸). تشیع در خراسان در عهد تیموریان، مشهد: آستان قدس رضوی، چ ۱.
- نیک آئین، محمود؛ بختیار نصرآبادی، حسنعلی؛ بهرامی، حمزه علی؛ نصرتی هشی، کمال و عباسپور، نفیسه. (۱۳۹۴). آثار تربیتی امام رضا (ع) در تعالی باورهای معنوی مردم ایران، فرهنگ رضوی، سال سوم، شماره دوازدهم.